

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۱۵ می ۲۰۱۱

## بررسی مختصر قرآن بخش ششم

### قرآن ، محمد و زن قسمت چهارم

**قتیله** - دختر قیس یازدهمین خانم حضرت محمد بود. او خواهر (اشعث بن قیس) بود که به ضد ابوبکر شورش کرد و سپس یکی از رهبران مهم اسلام شد او با پیغمبر ازدواج کرد اما پیش از این که پیغمبر با او همبستر شود پیغمبر در گذشت. بعد از مرگ محمد عکرمه بن ابی جهل با او ازدواج کرد ( تاریخ طبری جلد ۹ ص ۱۳۸ . بحار الانوار جلد ۲۲ ص ۲۰۴

۱۲ - **عصما** دختر نعمان بن شراحیل: ملا محمد مجلسی در مورد این زن نوشته است وقتی وی را نزد محمد آوردند عایشه و حفصه نسبت به وی حسادت کردند و وی را فریب دادند که ازدواجش با محمد نشود. به این ترتیب که گفتند اگر مایل است توجه محمد را به خود جلب کند باید به محمد بی اعتنائی کند. عصما هم وقتی محمد را دید به او گفت "من فکر می کنم از دست تو به الله پناه ببرم" محمد بر انگیزته شد و گفت من فکر می کنم باید به خانواده ات پناه ببری . ( مجلسی - حیات القلوب جلد دوم ص ۵۹۷ )

۱۳ - **فاطمه** دختر ضحاک: ملا مجلسی نوشته است : وقتی آیات ۲۸ و ۲۹ احزاب نازل شد .... ترجمه فارسی آن (ای پیامبر به همسرانت بگو: اگر شما زندگی دنیا و زرق و برق آنرا می خواهید بیایید با هدیه ای شما را بهره مند سازم و شما را به طرز نیکویی رها سازم -- و اگر شما خدا و پیامبرش و سرای آخرت را می خواهید خداوند برای نیکو کاران شما پاداش عظیمی آماده ساخته است) فاطمه تصمیم گرفت راه اول را انتخاب کند و از محمد جدا شود ( مجلسی . حیات القلوب جلد دوم ص ۵۹۷ )

۱۴ - **ماریه** دختر شمعون قبطی که مقوقس فر ستاده بود وی از پیامبر بار دار شد نام فرزند او را ابراهیم نهادند . ابراهیم بعد از دو سال زنده بودن فوت شد . داستان و ماجرای این زن در بخش زندگی حفصه شرح داده شد . (تاریخ طبری جلد ۳۹ ص ۱۹۴ )

۱۵ - **ریحانه** دختر زید قرظی : از اسرای بنی قریظه بود که **سهام محمد از غنایم جنگ** بود . ریحانه هرگز حاضر نشد اسلام بیاورد و حتی پیشنهاد محمد مبنی بر ازدواج با وی را نیز نپذیرفت و محمد نیز قصد رها کردن این کنیز (برده زن) زیبا را نداشت و آزادش نساخت و وی تا آخر عمر تن به حقارت برده بودن داد اما حاضر نشد که مسلمان شده و زن محمد باشد. ریحانه زن زیبایی که شب روز قتل همسرش (که بعد از شکنجه زیاد به قتل رسید) به عنوان برده به حرمسرای محمد برده شد و حضرت از وی کام دل گرفت و بالاخره دق مرگ شد . ( تاریخ طبری جلد ۳۹ ص ۱۶۴ و ۱۶۵ ) و جلد ۱۳ ص ۵۸ - همان کتاب)

۱۶ - **ام شریک** دوسیه نام اصلی او غزیه ( غزیه نیز آورده شده است) بوده و خود را به رسول الله بخشید . (آیت ۵۰ **سوره احزاب را محمد به خاطر او نازل کرد**. ترجمه این متذکره چنین است . "**محمد با زن مؤمنه که خود را بدون مهر و شرط به وی بخشد و رسول هم مایل به نکاح او باشد می تواند ازدواج کند**") او دختر دودان بن عوف بن عامر بوده است و پیش از ازدواج با محمد با آبی العکر بن سمی الازدی ازدواج کرده بود . (بحار الانوار جلد ۲۲ ص ۲۰۲) .

۱۷- **صنعا** یا سبا دختر سلیم زنی بود که پیش از این که پیغمبر با او همبستر شود، او مرد .

۱۸ - **قضیه** دختر جابر از بنی کلاب . زنی بود که به محمد گفت: مرا به تو داده اند و به من خبر ندادند . پس از محمد طلاق خواست و محمد او را طلاق داد. روایات دیگری حاکی است که محمد با وی ازدواج کرد اما وقتی برای همبستر شدن پیش وی رفت در یافت که بسیار پیر است بنا برین وی را طلاق داد ( تاریخ طبری جلد ۹ ص ۱۳۹)

۱۹- **زینب** دختر خزیمه الهلالیه از پسران عبد مناف بن هلال بن عار بن صعصعه (ام المساکین) بود که بعد از کشته شدن شوهرش "عبیده بن حارث بن عبدالمطلب" در جنگ بدر قبول کرد که با محمد ازدواج کند اما ۸ ماه بعد ازین ازدواج از دنیا رفت (بحار الانوار جلد ۲۲ ص ۲۰۳)

۲۰- **عالیه** دختر ظبیبان از بنی بکرین زنی بود که محمد با وی ازدواج کرد اما بعد از مدتی او را طلاق داد (تاریخ طبری جلد ۹ ص ۱۳۸)

۲۱ - **حوله بنت الهذیل** - از بنی حارث بود که طلاق گرفت

۲۲- **لیلیا بنت الخطیم** : پیر زنی بود از قبیله بنی خزرج که به گفته طبری پیغمبر روزی به مزگت اندر نشسته بود پشت سوی آفتاب کرده و این زن از پشت آمد و دستهایش را بر روی کتف پیغمبر گذاشت و گفت با من ازدواج کن تا من به قبیله خود بگویم پیغمبر با من ازدواج کرده است. سپس به میان قبیله خود رفت و مردم به او گفتند کار اشتباهی کردی چون پیر هستی و پیامبر از زنان پیر خوشش نمی آید اگر ترا ببیند طلاق خواهد داد. لیلی پیش پیغمبر آمد و گفت من پشیمانم و پیامبر او را طلاق داد. ( بحار الانوار ج ۲۲ ص ۲۰۴)

۲۳- **ام هانی** دختر ابو طالب : وی بهانه آورده بود که بچه دار است و باید از بچهاش نگهداری کند لهذا پیشنهاد محمد را رد کرد .

۲۴- **صباعه** دختر عامر بن فرط : پیغمبر او را از پسرش بخواست اما پسرش به پیامبر گفت مادرم پیر است و محمد دست بر داشت .

۲۵- **صفیه** دختر بشامه عنبری : که از اسرای افتاده به دست مسلمین بود محمد او را بخواست اما شوهرش باز آمد و چون زنش را می خواست مسلمان شد تا زنش بر او حرام نگردد پیغمبر از او پرسید : من را خواهی یا شویت را ؟ صفیه گفت شویم را .

- ۲۶- **ام حبیبه** دختر عباس بن عبدالمطلب : پیغمبر او را به زنی خواست عباس گفت یا رسول الله او با تو شیر خورده است. محمد منصرف شد. (این خدا بیامرز پیغمبر مثلیکه هر جا زنی می دید سراغش می رفت)
- ۲۷- **جمر هد** دختر حارث بن آبی حارثه : محمد او را از حارث بخواست حارث به دروغ به پیامبر گفت بدن او پیسی دارد و تو را شایسته نیست و محمد منصرف شد
- ۲۸ - محمد زنی که نامی از وی باقی نمانده است طلاق داد زیرا وی چشم چرانی می کرد و به مردانی که از مسجد خارج می شدند زیر چشمی نگاه میکرد . (تاریخ طبری ج ۳۹ ص ۱۸۷)
- ۲۹ - **ملیکه اللثیبه** . محمد با او ازدواج می کند با او همبستر نمی شود و او را طلاق می دهد. ( بحالانوار ج ۲۲ ص ۲۰۴)
- ۳۰- **ملایکه** دختر کعب : به مدت کوتاهی با محمد ازدواج کرد عایشه از وی پرسید آیا می خواهی شوهری داشته باشی که شوهر قبلی ترا کشت ؟ وی به خدا از محمد پناه برد و محمد وی را طلاق داد . (تاریخ طبری ج ۳۹ ص ۱۶۵)
- ۳۱- **بنت آبی الجون - دختری بود از قبیله "کنده"** : مردم قبیله او با قبیله بنی قریظه هم پیمان بودند وقتی ابراهیم فرزند محمد مرد وی به محمد گفت : اگر تو پیغمبر راستین می بودی فرزندت نمی مرد . محمد بعد از اینکه با او همبستر شد وی را طلاق داد ( تاریخ طبری ج ۹ ص ۱۳۶)
- ۳۲- **ملائکه** دختر داوود: زنی دیگری بود که با محمد ازدواج کرد اما پس از این که فهمید محمد پدرش را کشته است از وی جدا شد . (تاریخ طبری ج ۳۹ ص ۱۶۵)
- ۳۳ **عمیره** دختر یزید : که محمد وی را طلاق داد زیرا وی به جذام مبتلا شده بود. محمد در باره او گفته است (دلستم علی و رد ها ) (تاریخ طبری ج ۳۹ ص ۱۸۸ ملا مجلسی حیات القلوب ج ۲ ص ۵۹۷)
- ۳۴- **صبا** بنت سفیان : محمد مدتی کوتاهی با او ازدواج کرد (تاریخ طبری ج ۳۹ ص ۱۸۸)
- ۳۵ - **تکانه** نام زنی است که مجلسی در مورد وی نوشته است دختر سیاه پوستی بود که (مقدوس) پادشاه مصر همچون ماریه قبطیه به محمد هدیه داده بود. محمد ابتداء او را آزاد و سپس با او ازدواج کرد. بعد از در گذشت محمد عباس با او ازدواج نمود . (مجلسی - حیات القلوب - ج ۲ ص ۵۹۷)
- ۳۶ - **بنت جندب** دختر دمره - گروهی از دواج محمد را با این زن تأیید و عدهای آنرا تکذیب می کنند. (مجلسی - حیات القلوب جلد ۲ ص ۵۹۷)
- ۳۷- **شرق دختر خلیفه** - این زن خاله خوله بود و پس از مرگ خوله به جای او به عقد ازدواج محمد در آمد (طبری جلد ۱ ص ۱۷۷۶)
- ۳۸- **خوله** دختر حکیم (سلیم) این زن از طایفه عدالشمس بود که به طایفه هاشم مربوط می شود خوله دختر حکیم پس از مرگ همسرش (عثمان بن ماذون) که در حدود جنگ احد اتفاق افتاده بود خود را به محمد بدون قید و شرط تسلیم نمود. تاریخ نویسان اسلامی از هفت زن دیگر نیز نام برده اند که بین آنها و محمد گفت و گوی ازدواج در میان آمده اما هیچگاه عملی نشده است ۱- **حبیبه دختر سهل** از انصار ۲- **لیلی دختر خاتم** از انصار ۳- **ام هانی** دختر ابیطالب از طایفه قریش ۴- **امه حبیب** دختر العباس از طایفه قریش ۵- دونه دختر امیر از طایفه سعسعه ۶- **صفیه** دختر بشامه از طایفه تمیم ۷- **عمار** یا عمامه دختر حمزه از طایفه قریش . ۸- **نشا** دختر رفیعه - محمد با این زن ازدواج کرد و سپس او را طلاق داده است. ۹ - **الشنبای** دختر عمر - محمد این زن را به عقد ازدواج خود در آورد اما وی چون معتقد بود که مرگ ابراهیم فرزند محمد مشکوک می باشد لذا محمد وی را طلاق داده است .

این بود اسامی یک تعداد از خانم‌های محمد به شمول زنهایی که خود را به او بخشیده‌اند همچنان کنیزان شان و زنهایی که موقتاً صیغه شده بودند تا درد محمد را تسکین دهند و شاید هم تعداد خانم‌ها در حرمسرای حضرت محمد بیش ازین بوده باشد. شیخ کلینی نویسنده و اندیشمند بزرگ اسلامی و نویسنده کتاب‌های **اصول** و **فروع کافی** در مورد محمد از امام رضاء نقل کرده است که قدرت **جماع پیغمبر** با **چهل مرد برابر بود** (مجلسی - حیات القلوب ج ۲ ص ۵۹۹) بعد از مرگ محمد **هیچ کدام از زنانش اجازه ازدواج با شخص دیگری نداشتند** و آنان را ام المؤمنین نامیدند و **همگی مجبور بودند تا آخر عمر بیوه بمانند**.

مجلسی می‌نویسد: زنی که **نامزد ازدواج با پیغمبر** می‌شود **ولو آنکه** ازدواج او با پیغمبر عملی نگردد حق ندارد تا پایان عمر با مرد دیگری ازدواج کند (به این می‌گویند **عدالت خداوندی در مورد جنس زن**) (منابع در مورد تاریخ طبری از ترجمه انگلیسی این کتاب حیات القلوب باقر مجلسی جلد ۲ - بحار الانوار علامه مجلسی از متن اصلی عربی دار الکتب الاسلامیه چاپ خانه حیدری - کوروش کبیر و محمد بن عبدالله نوشته داکتر مسعود انصاری) می‌باشد.

چند نفر ازین خانم‌های که محمد آنان را تصاحب نموده و از جنگ‌هایش با قبایل یهودی نشین به عنوان غنیمت گرفته در یادداشت‌های دیگر یادمانی خواهیم نمود.

در ختم این نوشته بد نخواهد بود برای درک نظر و حساسیت محمد نسبت به زن رو یداد زیر را که به وسیله علامه ملا محمد باقر مجلسی نقل شده نقل نموده و این نوشته را خاتمه دهم.

مجلسی از کلینی روایت میکند که: روزی مؤذن محمد به نام (ابن امه مکتوم) که شخص نا بینائی بود برای ملاقات محمد وارد اتاقش شد. چون در آن هنگام **عایشه و حفصه** آنجا حضور داشتند محمد در لحظه ورود ابن امه مکتوم به عایشه و حفصه تکلیف کرد که اتاق را ترک گویند. آن‌ها گفتند: **ولی این شخص نا بینا است** و قدرت بینائی ندارد. محمد پاسخ داد: **( ولی شما که نا بینا نیستید ؟ )**

ادامه دارد